



**ضرورت آزادسازی مالی در بانکداری
اسلامی با توجه به تجربه دیگر کشورها**

یوسف فرجی*

چکیده

وقتی صحبت از آزادسازی مالی می‌شود، منظور از آن انعطاف‌پذیری نرخ سپرده و حذف سقف‌های اعتبار، استفاده از ابزارهای غیر مستقیم در سیاست پولی، ارتقاء رقابت در میان بانک‌ها، همگرایی بازارهای داخلی با بازارهای مالی بین‌المللی و ... است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که اغلب کشورها از اواخر دهه ۷۰ میلادی، اقدام به آزادسازی مالی نموده‌اند و تقریباً از رویه واحدی در این خصوص پیروی کرده‌اند؛ به‌ویژه آن‌که رشد سریع قیمت‌ها، کسری شدید بودجه دولت، رشد سریع ارتباطات مالی و عمیق‌تر شدن رابطه بازارهای مالی داخلی و خارجی از جمله عللی بوده است که آزادسازی مالی و حذف مقررات زاید در این کشورها را تسریع کرده است. در این مقاله نشان داده می‌شود که اگرچه در ایران مواد قانونی در برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی به‌منظور آزادسازی مالی تصویب گردیده است، اما همچنان بازارهای مالی ایران از سرکوب مالی رنج می‌برد. نتایج این مقاله نشان داد که با توجه به محدودیت‌های بازار مالی در ایران و نیز عملکرد مناسب کشورهایی که آزادسازی مالی را تجربه کرده‌اند و همین‌طور تمایل ایران به پیوستن به WTO، آزادسازی مالی در ایران امری اجتناب‌ناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: آزادسازی مالی، خصوصی‌سازی، بازار مالی، بازارهای پول و سرمایه، نرخ

بهره سپرده‌های بانکی، اعتبارات.

۱- مقدمه

با توجه به محدودیت منابع در کشورهای در حال توسعه، توسعه بازارهای مالی به منظور تجهیز و هدایت صحیح منابع و جوه از اهمیت ویژه‌ای در این اقتصادها برخوردار است.

در تمام کشورهای جهان بانک‌ها بخش مهمی از بازارهای پول و سرمایه را در اختیار داشته و صرف‌نظر از محل استقرار، سازماندهی و نوع مالکیت آن‌ها، سه وظیفه اصلی را در هر سیستم اقتصادی انجام می‌دهند: ۱) آن‌ها نقش محوری در سیستم پرداخت‌های یک کشور داشته و به‌عنوان اطاق پایاپای به‌منظور پرداخت‌ها عمل می‌کنند. ۲) بانک‌ها مکانیسمی را به‌منظور قیمت‌گذاری، ارزیابی و کنترل اعتبارات در اقتصاد فراهم می‌کنند. ۳) بانک‌ها اوراق بهادار منتشر شده توسط وام‌گیرندگان (اوراق بهادار اولیه) را دریافت کرده و اوراق بهادار خودشان (اوراق بهادار ثانویه) که مورد قبول اعتبار دهندگان و سپرده‌گذاران می‌باشد، در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند.

روشن است که کارایی، سلامت و قابل اجرا بودن یک چنین وظایفی به این بستگی دارد که، مالکیت بانک‌ها متعلق به کیست؟ روند اعطای تسهیلات و مدیریت آن چگونه است؟ چه کسانی از اعتبارات استفاده می‌کنند؟ نرخ بهره اعتبارات و سپرده‌های بانکی دستوری است و یا مکانیسم بازار آن را تعیین می‌نماید؟

در هر حال با توجه به این‌که کارایی نظام بانکی در کشورهایی که سال‌های متمادی مالکیت دولتی داشته‌اند و اغلب تصمیمات مربوط به نظام بانکی توسط دولت مرکزی اتخاذ می‌گردد بسیار بغرنج‌تر و اصلاح نشدنی‌تر نسبت به اقتصادهای مبتنی بر بازار است.^۱

لذا از سال‌های ۱۹۹۰ به بعد تغییرات بسیار قابل توجهی در سیستم‌های مالی کشورهای در حال توسعه به‌وقوع پیوسته است، که از آن جمله می‌توان به آزادسازی نرخ بهره، تخصص منابع بانک‌های تجاری و نیز استقلال بیشتر بانک مرکزی و تمرکز بر کاهش تورم بجای تامین مالی برنامه‌های توسعه اقتصادی اشاره کرد.^۲

^۱ Meggindon, 2003.

^۲ Hanson, 2003.

مطالعات زیادی نیز در رابطه با آزادسازی مالی و تأثیر آن بر اقتصاد و به‌ویژه متغیرهای کلان اقتصادی انجام گرفته است که برخی از این‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که اصلاحات مالی به‌ویژه در بلندمدت منجر به افزایش کارایی سیستم بانکی می‌شود^۱، همین‌طور در مطالعه‌ای دیگر در همین خصوص به این نتیجه رسیده است که اصلاحات مالی جزئی (مثلاً در بازارهای مالی)، اگر چه ممکن است در کوتاه مدت رفاه را کاهش دهد، اما در بلندمدت افزایش رفاه را در پی دارد^۲.

در هر حال در این مقاله با در نظر گرفتن شاخص‌های مناسب در پی آن هستیم که بینیم نظام بانکی ایران با توجه به کشورهای که در آن‌ها آزادسازی مالی صورت گرفته است در چه شرایطی قرار دارد، سپس با توجه به تجربه کشورهای منتخب مراحل آزادسازی مالی در سیستم بانکی ایران ارائه می‌شود.

۲- آزادسازی مالی و سرکوب مالی

منظور از آزادسازی مالی فرایند عبور از سرکوب مالی^۳ است. در ابتدا وقتی صحبت از یک سیستم مالی بسته می‌شد، تنها تثبیت نرخ بهره به‌وسیله دولت بود. در چنین شرایطی مراد از آزادسازی مالی عمدتاً مربوط به آزادکردن نرخ بهره می‌گردید. اما امروزه منظور از آزادسازی مالی بسیار وسیع‌تر بوده و فرایندی را که در طی آن علاوه بر آزادسازی نرخ بهره، حذف اعتبارات مستقیم و الزامات ذخایر بالا^۴، آزادکردن محدودیت‌های پورتفولیوی بانک‌ها^۵، تغییر در مالکیت بانک‌ها، ارتقاء رقابت در میان بانک‌ها، همگرایی بازارهای مالی داخلی با بازارهای بین‌المللی و تغییرات در چارچوب‌های نهادی سیاست پولی را نیز شامل می‌شود^۶. به‌عبارت دیگر، با آزادسازی

¹ Isik & Hanson, 2003.

² Kahkonen, 1987

³ financial repression

⁴ high reserve requirement

⁵ easing of portfolio restrictions

⁶ Ucer: E Muiaat.

مالی و انعطاف‌پذیری نرخ بهره و حذف سقف‌های اعتباری و استفاده از ابزارهای غیرمستقیم در سیاست پولی، نقش بیشتری به نیروهای بازار داده می‌شود و تخصیص منابع نه بر اساس انتخاب، که بر پایهٔ ابزارهای مبتنی بر بازار صورت می‌گیرد.

البته دلایلی که در پس این اقدام وجود دارد، بر اساس ابتدایی‌ترین اصول اقتصادی است که در آن مکانیسم بازار مالی اجازه می‌دهد تا پس‌اندازها به‌صورت بهینه در سطح مالی و بین‌المللی به سرمایه‌گذاری تولیدی تبدیل گردد. این در شرایطی است که محدودیت‌های مالی موجب کاهش پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری می‌گردد.

استقراض‌هایی که بر اساس مکانیسم بازار نباشد، اغلب منجر به سرمایه‌گذاری‌هایی می‌شود که نتایج ضعیفی دارد، زیرا انتخاب وام‌گیرندگان نه بر اساس لیاقت و توانایی افراد در اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری، که بر پایهٔ رابطه‌ای است که آن‌ها با مؤسسات مالی و دولت دارند. به‌ویژه آن‌که بازارهای مالی که به‌صورت غیر رقابتی و مجزا فعالیت می‌کنند، مانع دسترسی سرمایه‌گذاران بر منابع ارزان می‌شوند.^۱

نکته قابل ذکر آن است که اگرچه این مباحث از نظر تئوریک پذیرفته شده است و به اصطلاح مجادله‌آمیز نمی‌باشد، اما تحقق آن‌ها در دنیای واقعی مبتنی بر فرضی است که به ساختار اقتصادی و شرایط سیاسی کشورها ارتباط دارد. به‌عنوان مثال شرط کارایی بازارهای مالی خود مبتنی بر وجود بسیاری از واسطه‌های مالی است که توانایی جمع‌آوری اطلاعات و انجام عملیات مالی را داشته باشند. همین‌طور فرض می‌شود که بازارهای کالا به‌طور مناسبی وظایف خود را انجام می‌دهند و نیز تنش‌های سیاسی داخلی و خارجی در جامعه وجود ندارد. اگر هر یک از این شرایط تحقق پیدا نکند، منفعت ناشی از آزادسازی بازار مالی مبهم خواهد بود.

اما سؤالی که مطرح می‌شود آن است که دلایل سرکوب مالی در کشورهای مختلف و به‌ویژه کشورهای درحال توسعه چیست؟ در پاسخ باید گفت کشورهای در حال توسعه علاقمند به توسعه اقتصادی و پر کردن شکاف با کشورهای توسعه یافته‌اند، اما منابع لازم جهت

^۱ Wyplosz, 2001.

دستیابی بر این هدف را ندارند و یا می‌توان گفت سیستم‌های مالی از کارایی لازم برخوردار نیستند. در حقیقت دولت در این کشورها از طریق تحمیل ذخائر قانونی بالا به بانک‌های تجاری و استقراض از بانک مرکزی و فروش اجباری اوراق قرضه به سیستم بانکی و همین‌طور پایین نگه‌داشتن نرخ بهره سپرده‌ها و وام‌ها در بانک‌های تجاری، منابع ارزان جهت دستیابی به اهداف اقتصادی را فراهم می‌کنند.

در هر حال سرکوب مالی یک معضل است و باتوجه به مطالعات مکینون شو^۱، به‌لحاظ نتایجی که بر تراکم سرمایه حقیقی دارد، بازار سرمایه داخلی را متلاشی می‌کند. به‌طور کلی تخریب سیستم مالی از چهار کانال زیر ممکن است اتفاق افتد:

الف- جریان وجوه قابل استقراض از طریق سیستم بانکی کاهش یافته و سرمایه‌گذاران بیشتر به منابع داخلی خودشان متکی هستند.

ب - نرخ‌های اعتبارات از یک بخش اقتصادی به بخش دیگر متفاوت است. به‌عبارت دیگر اعتبارات به بخش‌های مختلف اقتصادی به‌صورت ترجیحی صورت می‌گیرد.

ج - پائین بودن یا منفی بودن بازده سپرده‌ها در سیستم بانکی (به‌لحاظ وجود تورم) موجب می‌گردد بانک‌ها نتوانند منابع کافی جهت اعطای تسهیلات به سرمایه‌گذاران را فراهم نمایند. در چنین شرایطی تأمین منابع مالی به‌طور مستقیم صورت می‌گیرد. یک چنین سرمایه‌گذاریهایی با توجه به محدودیت منابع سرمایه‌گذاران و عدم امکان استفاده از تخصص در زمینه مربوطه زیان‌آور است.

د - وقتی بنگاه‌ها به‌طور قابل توجهی غیرنقدی^۲ می‌شوند و یا تورم شدید در جامعه وجود دارد، عمق بخشیدن به اهمیت مالی در خارج از سیستم بانکی سرکوب‌شده غیر ممکن است. به‌عبارت دیگر بازار قوی اوراق بهادار و قرضه و نیز مداخله شرکت‌های بیمه، وقتی میسر است که جامعه از ثبات پولی برخوردار باشد.

^۱ Mckinnon & Shaw.

^۲ illiquid (به دارایی‌هایی اطلاق می‌شود که به سادگی به پول نقد تبدیل می‌شود).

۳- تجربه آزادسازی مالی در دیگر کشورها

در این بخش تجربه آزادسازی مالی در کشور استرالیا (به‌عنوان یک کشور پیشرفته) و ترکیه (به‌عنوان یک کشور در حال توسعه) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در این راستا چگونگی سرکوب مالی، مراحل آزادسازی مالی و نتایج آن بررسی می‌شود.

۳-۱- تجربه آزادسازی مالی در استرالیا

در سال‌های دهه ۷۰ میلادی سیستم مالی در استرالیا یک سیستم بسته را تشکیل می‌داد. در این سیستم مالی که بانک‌های تجاری بخش مهمی از بازارهای مالی را در اختیار داشتند، فعالیت‌شان به‌وسیله مقامات پولی و مالی از پیش تعیین می‌گردید. در این سیستم بانک‌های تجاری نه‌تنها به‌طور انحصاری حساب جاری را در اختیار داشتند، بلکه تنها مؤسسات قابل قبول در زمینه ارز و کنترل آن بودند. همین‌طور بانک‌های پس‌انداز نیز که به جمع بانک‌های تجاری پذیرفته شدند، وظیفه آن‌ها تأمین مالی اعتبارات مربوط به خرید مسکن می‌گردید.

در این سیستم مالی سرکوب‌شده، بانک‌های تجارت ملزم بودند، ۷ درصد از کل سپرده‌ها را به‌صورت ذخیره قانونی نگهداری نمایند. گذشته از این برای آن‌ها سقف نرخ بهره و اعتبار تعیین می‌گردید. به‌عنوان مثال بانک‌های تجاری از پیشنهاد بهره برای سپرده‌های بزرگ (بیش از ۵۰ هزار دلار استرالیا) برای دوره کمتر از سی روز یا سپرده‌های کوچک (کمتر از ۵۰ هزار دلار استرالیا) برای دوره کمتر از سه ماه منع گردیده بود. مشاهده می‌گردد این شرایط به‌طور غیر مستقیم مانع پرداخت بهره به سپرده‌های جاری می‌گردید. برای بانک‌های پس‌انداز نیز سقف وام و نرخ بهره تعیین می‌شد. همین‌طور شرکت‌های بیمه عمر نیز می‌بایستی ۳۰ درصد از منابع خود را به خرید اوراق بهادار دولتی اختصاص می‌دادند.

قبل از دهه ۸۰ میلادی در استرالیا، ورود بانک‌های جدید به سیستم بانکی با محدودیت‌های زیادی مواجه بود. به‌همین دلیل، بین سال‌های ۸۱-۱۹۴۵ تنها چند بانک پس‌انداز وارد سیستم بانکی این کشور گردیدند. به‌همین دلیل سیستم بانکداری در این کشور به‌صورت یک انحصار چند جانبه بود که در آن چهار بانک تجاری، ۸۵ درصد از کل دارایی‌های بانک‌های تجاری را در اختیار

داشتند و خدمات اندکی را ارائه می کردند. مشاهده می گردد در چنین سیستم مالی امکان رقابت بین مؤسسات مالی و سیستم بانکی وجود نداشته است.

اعمال سیاست پولی نیز در دوره قبل از آزادسازی مالی عمدتاً محدود به استفاده از ابزارهای مستقیم پولی نظیر، ذخیره قانونی، کنترل کمی اعتبارات و کنترل نرخ بهره برای سپرده‌ها و اعتبارات بوده است. به هر حال چند عامل در دهه ۷۰ میلادی موجب گردید که در استرالیا آزادسازی مالی صورت گیرد که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- افزایش ناگهانی قیمت‌ها: افزایش نرخ تورم هزینه فرصت دارندگان پول را افزایش داد و این امر موجب جابجایی پول از مؤسسات با بازدهی پائین به مؤسسات مالی با بازدهی بالاتر گردید. در نتیجه پس اندازکنندگان در سیستم مالی برای پیشنهاد ابزارهای مالی جدید که خرید آن‌ها مقرون به صرفه باشد، فشار آوردند. گذشته از این محدودیت در انعطاف پذیری بانک‌ها در مقابله با نرخ‌های تورم بالا و متغیر، فرصت مناسبی برای گسترش و بسط سریع مؤسسات مالی غیربانکی؛ نظیر اتحادیه‌های اعتباری^۱، مؤسسات تهیه مسکن^۲ و شرکت‌های بازار پول^۳ در دهه ۷۰ میلادی گردید.

۲- رشد سریع کسری بودجه دولت: در دهه ۷۰ میلادی کسری بودجه دولت استرالیا رشد سریعی داشته است، به طوری که خالص استقراض دولت از ۲ درصد GNP در نیمه اول دهه ۷۰ به ۴/۴ درصد GNP در نیمه دوم رسید. تأثیر یک چنین رشد سریعی در خالص استقراض دولت، افزایش فشار دولت به فروش اوراق قرضه به مؤسسات پس انداز و بانک‌ها بوده است.

۳- رشد سریع ارتباطات مالی: افزایش ابداعات مالی و کاهش هزینه انتقال وجوه در بین دارایی‌های مختلف، موجب گردید تا مؤسسات مالی که در حوزه مقررات مالی نبوده‌اند،

¹ credit unions

² building societies

³ money market corporations

رشد کنند و مؤسسات مالی که در حوزه سرکوب مالی قرار داشتند، ابداعاتی به منظور رهایی از قانون، نمایند.

۴- عمیق تر شدن بازارهای داخلی و خارجی: این ارتباط قوی بازارهای داخلی و بین‌المللی: اولاً دسترسی به جریان سرمایه‌های بین‌المللی را به‌عنوان یک منبع وجوه برای حذف نوسانات در نقدینگی داخلی و یا کسب نرخ بالاتر بازده سرمایه‌گذاری را افزایش داد، ثانیاً سیستم مالی استرالیا به‌طور فزاینده‌ای از متغیرهای بین‌المللی نظیر نرخ بهره و غیره تحت تأثیر قرار می‌گرفت. با توجه به چنین شرایطی بود که دولت استرالیا ناچار به پذیرش آزادسازی مالی در این کشور گردید.

به‌طور خلاصه، مهم‌ترین اقدامات انجام شده در رابطه با آزادسازی مالی در این کشور عبارت بودند از:

- ۱- معرفی یک سیستم پیشنهادی به‌منظور فروش اوراق خزانه در دسامبر ۱۹۷۹.
- ۲- حذف سقف نرخ بهره برای برخی سپرده‌های بانک‌های تجاری و پس‌انداز در دسامبر ۱۹۸۰.
- ۳- شناور شدن دلار استرالیا و حذف کلیه کنترل‌ها در اواخر سال ۱۹۸۳.
- ۴- برداشته شدن کلیه کنترل‌های باقیمانده بر نرخ‌های بهره سپرده‌ها در اگوست ۱۹۸۴.
- ۵- همین‌طور در سال ۱۹۸۴ کلیه کنترل‌های مربوط به سررسید اعتبارات بانک‌های تجاری و پس‌انداز برداشته شده؛ به‌طوری‌که این قانون باعث گردید که بانک‌ها، سپرده‌های با سررسید ۱۴-۴ روز را نیز بپذیرند.
- ۶- در آوریل ۱۹۸۵، سقف‌های نرخ بهره بر روی وام‌های بانکی کمتر از ۱۰۰ دلار استرالیا منسوخ گردید.^۱

^۱ Swamy & Tavlas, 1989

۳-۲- تجربه آزادسازی مالی در ترکیه

بانکداری در ترکیه نیز نظیر بسیاری دیگر از نقاط جهان در سال‌های قبل از دهه ۷۰ میلادی با مقررات بسیار شدیدی که از طرف دولت وضع گردیده بود، اداره می‌شد. ورود و خروج به بازار، کفایت سرمایه، میزان ذخائر قانونی و نقدینگی لازم، تخصیص اعتبارات، تعداد شعب، بیمه سپرده‌ها نرخ بهره سپرده‌ها و اعتبارات تماماً به‌وسیله دولت تعیین می‌گردید. تحت چنین مقررات سخت‌گیرانه‌ای بانکداری در ترکیه، یک سیستم بسته و سنتی بود که به‌وسیله چند بانک بزرگ کنترل می‌گردید و امکانی برای رقابت وجود نداشت.

در هر حال از نیمه اول سال‌های دهه ۸۰ میلادی به‌منظور افزایش نقش بازار و در نتیجه کارایی و بهره‌وری بیشتر سیستم بانکی، اصلاحات مالی، قانونی و ساختاری و نهادی آغاز گردید. به‌ویژه آن‌که تمایل ترکیه به عضویت دائمی در بازار مشترک اروپا موجب گردید تا مقامات پولی این کشور به‌منظور هماهنگی با دیگر اعضاء اتحادیه اصلاح ساختار مالی و حذف مقررات زاید را در دستور کار خود قرار دهند. اما بینیم این اقدامات چه بوده و هریک از چه تاریخی آغاز گردیده است؟ در اولین اقدام، نرخ‌های بهره و ارز آزاد گردید و از ابتدای سال ۱۹۸۴ گشایش سپرده‌های ارزی به‌وسیله افراد مقیم و غیر مقیم در ترکیه آزاد می‌شود و به مؤسسات مالی جدید اجازه داده می‌شود، وارد سیستم بانکی و بازار مالی شوند. در سال ۱۹۸۵ فروش اوراق خزانه به‌صورت دوره‌ای متناوب و به‌شکل حراج^۱ آغاز می‌گردد.

در سال ۱۹۸۶، بورس اوراق استانبول (ISE)^۲ و نیز بازار پولی بین بانکی^۳ به‌منظور فراهم کردن نقدینگی لازم سیستم مالی شروع به کار می‌کند. همین‌طور، در همین زمان به‌منظور تخصیص کارا تر منابع، بسیاری از نرخ بهره‌های ترجیحی برنامه‌های اعتبارات مستقیم^۴ حذف گردید. گذشته از این، در این سال قانون خصوصی‌سازی وضع واز همین سال واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی آغاز گردید.

^۱ periodic auction

^۲ istanbul stock exchange

^۳ interbank money market

^۴ directed credit programs

از دیگر اقداماتی که به منظور آزادسازی مالی در ترکیه صورت گرفت، می‌بایست به عملیات بازار باز در سیاست پولی، رسیدگی به حساب‌های بانکی به وسیله حساب‌رسان مستقل و خارج از بانک، یکسان کردن اصول حسابداری و استاندارد کردن سیستم گزارش‌دهی، اشاره کرد که از سال ۱۹۸۷ برقرار گردید.

در سال ۱۹۸۹ بازار ارز و بازار اسکناس بانکی^۱، تأسیس گردید. گذشته از این‌ها بانک‌های ترکیه، خدمات خود را به وسیله صندوق بازار پول^۲، سوآپ و سلف نرخ بهره و ارز^۳، مبادله اوراق قرضه دولتی و خصوصی، معاملات ریپو^۴ و مشارکت مالی اعتباری مصرف‌کننده، توسعه بخشیدند. بالاخره بانک‌های ترکیه با باز کردن شعب در خارج از کشور و نیز خریداری بانک‌های خارجی فعالیت بانکی را به خارج از کشور نیز گسترش دادند.^۵

در هر حال، هم در شرایط داخلی و هم در شرایط خارجی بانکداری در ترکیه تغییرات قابل توجهی به وجود آمده است. اگر آشکارترین تغییرات داخلی در سرمایه‌گذاری سنگین در تکنولوژی، نظیر اتوماسیون و کامپیوتری کردن باشد، مهم‌ترین تغییرات خارجی را می‌بایستی در آزادسازی مالی دانست.

پس به‌طور خلاصه اقداماتی که در ترکیه در جهت آزادسازی مالی صورت گرفته است عبارتند از:

- ۱- آزادسازی نرخ بهره و ارز.
- ۲- گشایش سپرده‌های ارزی به وسیله افراد مقیم و غیر مقیم در ترکیه.
- ۳- آزادسازی ورود مؤسسات و بانک‌های جدید به بازار مالی.
- ۴- فروش اوراق خزانه در بازار مالی و به‌صورت حراج.
- ۵- تأسیس بورس اوراق بهادار و بازار بین بانکی.

¹ bank - note

² mutual funds

³ interest and currency rate forwards and swaps

⁴ repo transactions

⁵ Isik & Hassan, 2003.

- ۶- حذف نرخ بهره ترجیحی و تخصیص اعتبارات مستقیم.
 - ۷- وضع قانون خصوصی‌سازی و واگذاری شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی.
 - ۸- اعمال سیاست پولی از طریق عملیات بازار باز.
 - ۹- رسیدگی به حساب‌های بانکی به‌وسیله حساب‌برسان مستقل و استاندارد و یکنواخت کردن اصول حسابداری بانکی و سیستم گزارش دهی.
 - ۱۰- تأسیس بازار ارز و اسکناس بانکی.
 - ۱۱- تأسیس بانک در خارج از کشور و خرید بانک‌های خارجی.
 - ۱۲- گسترش فعالیت‌های بانکی به صندوق بازار پول، سلف، سوآپ و ...
- با توجه به آنچه در رابطه با آزادسازی مالی دو کشور استرالیا و ترکیه گفته شد، مشاهده می‌گردد تقریباً دو کشور از یک رویه در آزادسازی مالی تبعیت کرده‌اند. به‌ویژه آن‌که شرایط دو کشور در قبل از آزادسازی از نظر سرکوب مالی، نیز یکسان بوده است. جدول (۱) وضعیت دو کشور را در قبل و بعد از آزادسازی مالی مقایسه کرده است.

جدول (۱): مقایسه تطبیقی کشورهای ترکیه و استرالیا در قبل و پس از آزادسازی مالی

مورد	قبل از آزادسازی مالی (سال‌های قبل از ۸۰ میلادی)	بعد از آزادسازی مالی (سال‌های بعد از ۸۰ میلادی)
نرخ بهره اعتبارات	کنترل (سقف) نرخ بهره تعیین سقف و اعتبارات ترجیحی	آزادسازی نرخ بهره تخصیص اعتبار بر اساس مکانیسم بازار
نرخ ارز	کنترل نرخ ارز	آزادسازی نرخ ارز
اوراق بهادار	فروش اجباری به مؤسسات مالی ابزارهای مستقیم به‌ویژه کنترل نرخ بهره و ذخیره قانونی	فروش در بازار مالی و به‌صورت حراج ابزارهای غیرمستقیم به‌ویژه به‌وسیله عملیات بازار باز
سیاست پولی	وجود نداشت	آزاد گردید
ارتباط با بازارهای بین‌المللی	به‌صورت کامل وجود داشت	آزاد گردید
کنترل‌های ارزی	بسیار ناچیز	آزاد گردید
تأسیس بانک‌های داخلی و خارجی		

۴- اثرات آزادسازی مالی

اثرات آزادسازی مالی در کشورهای در حال توسعه بسیار زیادتیر از کشورهای توسعه یافته است؛ زیرا محدودیت‌ها در کشورهای در حال توسعه برای شروع فرایند آزادسازی بسیار عمیق‌تر و وسیع‌تر از کشورهای توسعه یافته است. به‌ویژه آن که اگر سیاست‌های کلان اقتصادی و نظارت دولت با فرایند آزادسازی هماهنگی نداشته باشد، ممکن است بحران‌های مالی را تشدید نموده و منجر به توقف آزادسازی مالی گردد. به‌عنوان مثال، ممکن است در اثر آزادسازی مالی مقدار قابل توجهی سرمایه و ارز به کشور وارد گردد که این امر افزایش حجم پول و به‌دنبال آن تورم را در پی خواهد داشت. از طرف دیگر، با افزایش عرضه ارز در داخل و تأثیر ناگهانی بر نرخ ارز ممکن است، جریان آن به سمت خارج تغییر نماید. همین‌طور با افزایش عرضه ارز در داخل و افزایش نرخ برابری پول داخلی در برابر پول‌های خارجی ممکن است تراز تجاری را دچار مشکل نماید و یا این‌که اگر کنترلی بر حجم اعتبارات مؤسسات، پس از آزادسازی وجود نداشته باشد، ممکن است افزایش حجم پول، نرخ تورم را تشدید نماید. کشورهایی نظیر شیلی، استونی، غنا و مالزی که پس از آزادسازی مالی با بحران مواجه گردیدند، به‌دلیل آزادسازی نبوده است، بلکه علت این مشکلات را می‌بایستی در سیاست نامناسب اقتصاد کلان، نظارت ضعیف و یا دخالت بی حد دولت جستجو کرد.^۱

در هر حال مطالعات تجربی حاکی از آن است که نه‌تنها در اثر آزادسازی مالی بهره‌وری و کارایی در سیستم بانکی افزایش یافته است، بلکه با افزایش رقابت در بازارهای مالی، پس‌انداز و ظرفیت بازار مالی داخلی در ارائه خدمات مالی نیز افزایش می‌یابد. به‌عنوان نمونه در مطالعه‌ای که شی یو^۲ در تایوان انجام داده است، به‌این نتیجه رسیده است که پس از آزادسازی و حذف مقررات زاید، بهره‌وری و کارایی سیستم بانکی افزایش یافته است.

^۱ نظری، ۱۳۸۰.

^۲ Shyu

در کره جنوبی نیز گیلبرت و ویلسون^۱ به این نتیجه رسیدند که خصوصی‌سازی، حذف مقررات زاید و آزادسازی نرخ بهره موجب افزایش تولید بالقوه و در نتیجه افزایش بهره‌وری در بانک‌های کره بوده است.^۲

در ترکیه نیز رژیم^۳ کارایی بانک‌های تجاری در ترکیه رادر دو دوره مجزا، قبل از آزادسازی (۱۹۸۱) و پس از آزادسازی (۱۹۹۹) مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که کارایی بانک‌ها پس از آزادسازی مالی بیشتر شده است.^۴

گذشته از تاثیر آزادسازی مالی بر افزایش بهره‌وری بانک‌ها، اعطاء مجوز به فعالیت مؤسسات مالی خارجی و ادغام در بازارهای مالی بین‌المللی، فوایدی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱- بازارهای مالی داخلی بهتر می‌توانند در مقابل اثرات عدم تعادل‌های مالی که در جامعه بروز می‌کند، مقاومت نمایند.

۲- بازارهای مالی داخلی از این جهت که مشارکت خارجی‌ها منجر به انتقال دانش و پس‌انداز خارجی به داخل شده، افزایش سرمایه‌گذاری و توسعه زیر بنای اقتصادی را به همراه دارد، دارای اهمیت است.

۳- مؤسسات مالی خارجی نه تنها می‌توانند به افزایش و تکمیل سرمایه بانک‌های داخلی کمک نمایند، بلکه با خرید مؤسسات مالی که با بحران مواجه‌اند، امکان فعالیت آن‌ها را فراهم می‌سازند.

۴- در شرایطی که مؤسسات داخلی به وسیله تسهیلات تکلیفی امکان اعطای وام و تسهیلات را به صنایع داخلی ندارند، بانک‌های خارجی می‌توانند منابع لازم را تأمین نمایند.^۵

¹ Gilbert & Wilson.

² Isik & Hassan, 2003 .

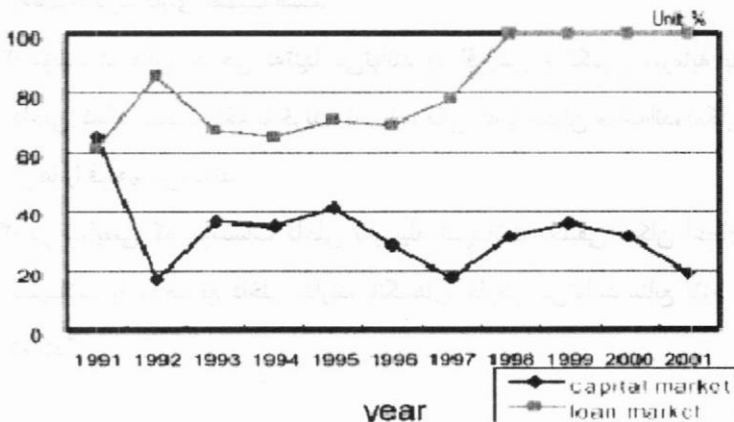
³ Zaim, 1995 .

⁴ Isik & Hassan, 2003.

⁵ Yunjong Wang.

مطالعات تجربی در کشورهای شرق آسیا نیز نشان می‌دهد که با آزادسازی مالی سهم منابع خارجی در بازار سرمایه در حال افزایش است. برای این منظور نمودارهای (۱) و (۲) مورد توجه قرار دهید.^۱ و بالاخره در رابطه با تاثیر آزادسازی مالی و حذف مقررات زاید بر نرخ بهره و سودآوری بانک‌های تجاری، تجربه ترکیه حاکی از این است که در دهه ۸۰ میلادی نرخ بهره به دو برابر نرخ بهره در دهه ۷۰ میلادی افزایش می‌یابد. بنابراین افزایش نرخ بهره از یک طرف و افزایش هزینه بانک‌ها به دلیل نوسازی (مثل استفاده از کامپیوتر و دستگاه‌های خودپرداز) از جانب دیگر، به‌طور قابل ملاحظه‌ای هزینه‌های بانک‌ها را افزایش داد. درچنین شرایطی بانک‌های ترکیه نیز به‌وسیله کاهش شعب و پرسنل مزاد سعی کردند، هزینه‌ها را کاهش دهند. در نتیجه این اقدام هزینه نیروی انسانی در کل هزینه از ۴۰ درصد در سال‌های بین ۸۰-۱۹۷۶ به کمتر از ۱۰ درصد در سال‌های ۹۰-۱۹۸۶ کاهش یافت. در چنین شرایطی علی‌رغم افزایش نرخ بهره، بانک‌های ترکیه موفق به کسب سود در سال‌های دهه ۸۰ میلادی می‌شوند.^۲

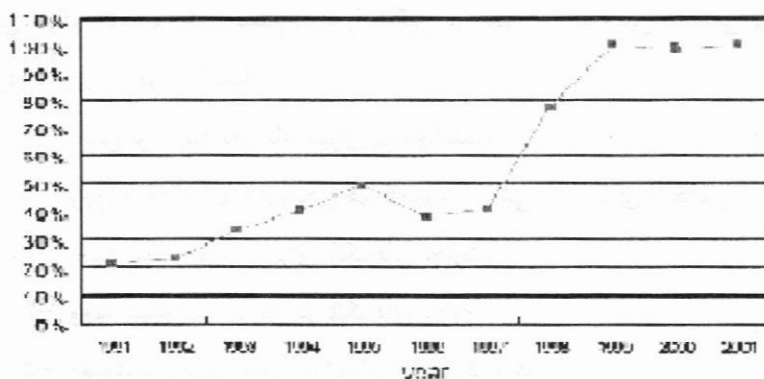
نمودار (۱): سهم استقراض خارجی در تأمین مالی بازارهای سرمایه در آسیای جنوب شرقی



¹ Park & Bae.

² ISIK & Hassan, 2003.

نمودار (۲): سهم تامین مالی از طریق بازار سرمایه و قرض در آسیای جنوب شرقی



۵- ضرورت آزادسازی مالی در ایران

با بررسی شرایط کنونی بازار مالی و اقتصاد ایران و مقایسه آن با کشورهای ترکیه و استرالیا مشاهده می‌گردد که وضعیت ایران درست شبیه وضعیت کشورهای ترکیه و استرالیا در سال‌های قبل از آزادسازی یعنی سال‌های دهه ۷۰ میلادی است. از نظر اقتصادی ایران سال‌هاست که با تورم دورقمی مواجه بوده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۷۸ نرخ تورم ۲۰/۱ درصد، در سال ۱۳۷۹، ۱۲/۶ درصد، در سال ۱۳۸۰، ۱۱/۴ درصد، در سال ۱۳۸۱ ۱۵/۸ درصد و در سال ۱۳۸۲، ۱۴ درصد بوده است.

همین‌طور دولت در تمام سال‌های دو دهه گذشته با کسری بودجه شدید مواجه بوده که عمدتاً از طریق سیستم بانکی تأمین مالی گردیده است. به‌عنوان مثال در طی سال‌های ۸۱-۱۳۷۸ بدهی بخش دولتی به سیستم بانکی از ۶۲۰۵۸/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ به ۱۱۱۶۲۰/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است.^۱

^۱ نماگرهای اقتصادی، ۱۳۸۲.

بازار مالی ایران نیز که به‌طور عمده در اختیار بانک‌های تجاری دولتی است، به‌طور قابل توجهی سرکوب‌شده و یک سیستم بسته را تشکیل می‌دهد. در یک چنین سیستمی بازار مالی با محدودیت‌های زیر مواجه است؛

- ۱- تعیین نرخ بهره به‌وسیله شورای پول و اعتبار.
- ۲- وجود نرخ‌های بهره ترجیحی هم به‌صورت بخشی و هم برای اشخاص.
- ۳- تعیین سقف اعتبارات برای بانک‌های تجارت.
- ۴- وجود تسهیلات تکلیفی در بانک‌های تجاری.
- ۵- ممنوعیت تأسیس شعب بانک‌های خارجی در داخل.
- ۶- عدم ارتباط بازار مالی داخلی با بازارهای مالی بین‌المللی.
- ۷- عدم استقلال بانک مرکزی به‌ویژه تحت نفوذ بودن به‌وسیله وزارت امور اقتصادی دارایی به‌عنوان مجری سیاست مالی.
- ۸- عدم امکان استفاده از ابزارهای سیاست پولی غیر مستقیم توسط بانک مرکزی.

۵-۱- اقدامات انجام شده در رابطه با آزادسازی مالی در ایران

اگرچه طی برنامه‌های دوم و سوم توسعه اقتصادی قوانینی در جهت آزادسازی مالی تصویب گردیده است، اما عملاً شاهد سرکوب مالی در بازار مالی ایران بوده‌ایم. به‌عنوان مثال در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، در بحث‌های کلی در رابطه با سیاست پولی و تنظیم بازار در بند (۲-۱-۲) چنین آمده است:

“بازنگری در قوانین، مقررات و ضوابط ناظر بر فعالیت مؤسسات مالی در بازارهای پول و سرمایه بگونه‌ای که با شرایط جدید ناشی از تحولات داخلی و بین‌المللی هماهنگی داشته باشد” و یا در بند (۳-۱-۲) آمده است؛ “منطقی کردن نرخ‌های سود در سطح نظام بانکی به گونه‌ای که با مثبت نمودن نرخ واقعی بازده به سپرده‌ها و نرخ بازده به تسهیلات بانکی ضمن تشویق هرچه بیشتر پس‌انداز موجبات تخصیص بهینه منابع ریالی را فراهم آورد.” و یا در بند (۲-۱-۲) آمده است؛ “تلاش در جهت تقویت بانک مرکزی از طریق تجدید نظر در قوانین پولی و بانکی و تغییر

ترکیب و وظایف شورای پول و اعتبار به گونه ای که تامین کننده اهداف نظام بانکداری اسلامی و برنامه های پنج ساله می باشد، تقویت ارزش پول ملی و جلوگیری از رشد بی رویه نقدینگی^۱ در مورد مثبت شدن نرخ سود حقیقی سپرده ها ملاحظه می گردد که پس از ۹ سال از شروع برنامه دوم توسعه اقتصادی هنوز نرخ سود حقیقی سپرده های بانکی منفی است. در مورد حجم نقدینگی و ارزش پول که پیوسته حجم پول در حال افزایش و ارزش پول ملی در حال کاهش بوده است؛ به طوری که حجم نقدینگی در طی ۵ سال گذشته (۸۱-۱۳۷۸) از ۱۹۲۶۸۹/۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۸ به ۴۱۷۵۲۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۱ افزایش یافته است. یعنی بیش از ۱۱۰ درصد رشد داشته است. در حالی که تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت در همین دوره تنها ۱۶/۵ درصد رشد داشته است. عدم تناسب افزایش حجم نقدینگی و تولید ناخالص ملی باعث گردیده است که در این دوره با تورم دو رقمی و کاهش ارزش پول ملی مواجه باشیم. در ترکیب شورای پول و اعتبار و تجدیدنظر در قوانین پولی و بانکی نیز اقدام خاصی که در جهت استقلال بانک مرکزی باشد، صورت نگرفته است.

در برنامه سوم توسعه اقتصادی نیز قوانین به گونه ای بوده است که امکان آزادسازی مالی را فراهم نکرده است. به عنوان مثال در ماده ۸۳ این قانون اکثریت اعضاء شورای پول و اعتبار را دولت تشکیل می دهد و به ویژه آن که رئیس شورای پول و اعتبار نیز وزیر امور اقتصادی و دارایی است. و یا در بند الف ماده ۹۸ این قانون آمده است: "سیاست پولی، اعتباری، ارزی، چاپ اسکناس، ضرب سکه، حفظ ذخائر ارزی، نظارت بر بانکها و صدور مجوز فعالیت بانکی در قلمرو و وظایف دولت بوده و جهت اعمال حا کمیت هم چنان در اختیار دولت باقی می ماند". آنچه از قوانین برنامه سوم توسعه اقتصادی نیز استنباط می شود در جهت آزادسازی مالی نبوده است.

۵-۲- مقایسه تطبیقی عملکرد بازار مالی ایران و کشورهای منتخب

اینک در این بخش با انتخاب شاخص های مناسب وضعیت کنونی بازار مالی ایران را با کشورهای منتخب (ترکیه و استرالیا) مورد مقایسه قرا می دهیم. به عبارت دیگر، در این بخش

^۱ قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی ۷۸-۱۳۷۴.

می‌خواهیم اثر آزادسازی مالی در کشورهای مذکور را با ایران یعنی کشوری که هنوز آزادسازی مالی صورت نگرفته است، مورد بررسی قرار دهیم.

الف- شاخص‌هایی در رابطه با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

از آنجایی که اعتبار به بخش خصوصی نقش مهمی در تولید، مصرف و تشکیل سرمایه و در نتیجه فعالیت اقتصادی دارد، لذا در این خصوص دو شاخص در نظر می‌گیریم. ۱- نسبت اعتبارات داخلی به بخش خصوصی به GDP و ۲- نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP. هر قدر این نسبت‌ها بیشتر و در حال افزایش باشد نشان‌دهنده بهبود است. همان‌طوری که از جدول (۲) ملاحظه می‌گردد شاخص اول برای استرالیا و ایران در دوره (۱۹۹۰-۲۰۰۲) در حال افزایش بوده است. ثانیاً این شاخص برای استرالیا نسبت به ایران بیشتر است.

جدول (۲): سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

کشور	اعتبارات داخلی به بخش خصوصی به GDP		سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به GDP	
	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲
سال	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲
استرالیا	۶۴/۲	۸۹/۸	۴/۱	۲/۶
ترکیه	۱۶/۷	۱۴/۹	۰/۶	۰/۵
ایران	۳۲/۵	۳۴/۳	۰	-۰/۳

Source: The World Bank, World Development Indicators, ۲۰۰۴, PP۲۵۴-۲۵۶

شاید بتوان علت کاهش یافتن این نسبت را برای ترکیه و کمتر بودن را نسبت به ایران اهمیت اعتبارات خارجی به بخش خصوصی در این کشور دانست. درباره شاخص دوم که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، مشاهده می‌گردد که در کشورهای که آزادسازی مالی کرده‌اند، این نسبت در اثر گذشت زمان در حال افزایش است. گذشته از این هر قدر کشور پیشرفته‌تر باشد، این نسبت بیشتر است. در مورد ایران ملاحظه

می‌گردد که این شاخص در سال ۱۹۹۰ منفی بوده است که حاکی از فرار سرمایه از کشور است؛ گذشته از این در سال ۲۰۰۲ این نسبت برابر صفر است.

ب- توسعه بازارهای مالی یک اقتصاد

اگر سیستم مالی اقتصادی به‌طور صحیحی فعالیت نماید، از طریق کاهش هزینه انتقال وجوه و نیز تخصیص بهینه منابع موجب افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. در این خصوص بورس اوراق بهادار نقش مهمی در هدایت وجوه بازی می‌کند. بنابراین نسبت معاملات در بورس اوراق بهادار به GDP شاخص مناسبی در این خصوص است.

جدول (۳): حجم معاملات در بورس به GDP

کشور	سال	۱۹۹۰	۲۰۰۲
استرالیا		۳۵/۱	۹۳/۱
ترکیه		۱۲/۷	۱۸/۵
ایران		۰	۸/۵

Source: The World Bank, World Development Indicators, ۲۰۰۴, PP۲۵۴-۲۵۶

با توجه به جدول (۳) ملاحظه می‌گردد که نه تنها از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲ این شاخص در تمام کشورهای مورد مطالعه افزایش داشته است، بلکه در کشورهایی که در آن‌ها سرکوب مالی کمتر است، این نسبت بیشتر شده است.

ج- عمق مالی و بهره‌وری

هر قدر اقتصادی، توسعه مالی بیشتری پیدا کند، استقراض غیر مستقیم سرمایه‌گذاران از پس‌اندازکنندگان افزایش یافته، منجر به کارایی بیشتر در اقتصاد شده و به تدریج افزایش نسبت دارایی‌های مالی به GDP را در پی دارد. در چنین شرایط مؤسسات مالی و تخصصی پس‌انداز بوجود می‌آید، ابزارهای مالی متنوع‌تر و بیشتری در دسترس افراد قرار گرفته و ریسک و هزینه

نگهداری آن‌ها کاهش می‌یابد. وجود بازارهای مالی این امکان را به پس‌اندازکنندگان می‌دهد که مستقیماً از بازار مالی اقدام به خرید چنین ابزارهایی نمایند.

در هر حال سیستم‌های مالی در کشورهای مختلف متفاوت بوده و هر قدر کشوری ثروتمندتر باشد، بانک‌ها مؤسسات مالی غیر بانکی و بازار سهام وسیع‌تر و فعال‌تر بوده و از کارایی بیشتری برخوردار است.

در این خصوص چهار شاخص در نظر گرفته شده است.

۱- اعتبارات داخلی اعطا شده به وسیله سیستم بانکی به بخش خصوصی به

GDP

با آزادسازی مالی با توجه به بیشتر شدن نقش بانک‌ها در اعطای اعتبار، این

نسبت افزایش می‌یابد.

۲- نسبت تعهدات نقدی به GDP

تعهدات نقدی^۱، یا M_3 از مجموع M_2 و چک‌های مسافرتی سپرده‌های

مدت‌دار ارزی خارجی و اوراق تجاری و سهام صندوق بازار پول به وسیله افراد

مقیم بدست می‌یابد. با گسترش و توسعه بازار مالی این نسبت افزایش

می‌یابد.

۳- نسبت تعهدات شبه نقدی به GDP

تعهدات شبه نقدی^۲، از تفاوت M_3 و M_1 حاصل می‌شود. این نسبت پس

آزادسازی افزایش می‌یابد.

۴- نسبت ذخائر نقدی بانک به دارائی‌هایش

ذخائر نقدی از مجموع وجوه نقد نزد بانک‌های تجاری و نیز سپرده‌های

آن‌ها نزد بانک مرکزی بدست می‌آید. با آزادسازی مالی این نسبت کاهش

می‌یابد.

¹ liquid liabilities

² quasi liquid liabilities

با توجه به جدول (۴) مشاهده می‌گردد که شاخص‌ها در کشورهایی که آزادسازی مالی نموده‌اند، رو به بهبود است. در حالی که برای ایران در جهت عکس حرکت می‌کند. به عنوان مثال، نسبت اعتبارات بانکی به GDP در استرالیا و ترکیه در حال افزایش است در صورتی که برای ایران این نسبت در حال کاهش بوده است. البته دلیل آن را می‌بایستی در افزایش حضور مؤسسات غیر بانکی و تأمین مالی مستقیم در اقتصاد جستجو کرد.

همین‌طور شاخص دوم یعنی نسبت M_3 به GDP در دو کشور مورد مطالعه (یعنی ترکیه و استرالیا) در حال افزایش بوده است در حالی که برای ایران این نسبت در حال کاهش است. همین روند برای شاخص ۳ نیز وجود دارد.

در مورد شاخص ۴ یعنی نسبت ذخائر نقدی بانک به دارایی آن‌ها، هر قدر این نسبت کوچک‌تر باشد، بهره‌وری بانک بیشتر است؛ زیرا به ذخایر اضافی بهره‌ای پرداخت نمی‌شود. این نسبت اگرچه برای ایران در دوره مذکور در حال کاهش بوده است، اما در مقایسه با استرالیا و حتی ترکیه بسیار قابل ملاحظه است.

جدول (۴): شاخص‌های عمق مالی و بهره‌وری

کشور	شاخص (۱)		شاخص (۲)		شاخص (۲)	
	ذخائر نقدی به دارایی بانک‌ها	تهدمات شبه نقدی $(M_3 - M_1)$ به GDP	تهدمات نقدی (M_3) به GDP	اعتبارات بانکی به بخش خصوصی به GDP	کشور	سال
	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲	۱۹۹۰	۲۰۰۲
استرالیا	۱/۵	۱/۲	۴۳/۲	۴۷/۶	۵۵	۹۳/۹
ترکیه	۱۶/۴	۹	۱۶/۴	۴۴/۵	۲۴/۱	۵۹/۳
ایران	۶۶	۲۶/۸۸	۳۱/۱	۲۵/۶	۴۴/۵	۴۷/۶

Source: The World Bank, World Development Indicators, ۲۰۰۴, PP ۲۲۰-۲۲۲

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

با توجه به نتایج بررسی عملکرد تطبیقی بازار مالی ایران و کشورهای مورد مطالعه و نیز وضعیت کنونی اقتصادی ایران و همین‌طور تمایل ایران به پیوستن به WTO، آزادسازی مالی

امری اجتناب‌ناپذیر است. اما چگونه؟ ابتدا لازم است با توجه به مطالب مذکور در مورد بازار مالی ایران و اقدامات انجام شده در رابطه با آزادسازی مالی در کشورهای منتخب یک مقایسه تطبیقی داشته باشیم. این مقایسه در جدول ۵ بیان گردیده است.

جدول (۵): مقایسه تطبیقی وضعیت بازار مالی ایران و کشورهای منتخب

کشورهای منتخب	ایران
۱- نرخ بهره به‌وسیله شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد.	۱- نرخ بهره به‌وسیله شورای پول و اعتبار تعیین می‌گردد.
۲- سقف نرخ بهره برداشته شده است.	۲- در بانک‌ها سقف نرخ بهره وجود دارد.
۳- نرخ بهره ترجیحی وجود ندارد.	۳- در سیستم بانکی نرخ بهره ترجیحی وجود دارد.
۴- نرخ بهره حقیقی مثبت است.	۴- نرخ بهره حقیقی در سیستم بانکی منفی است.
۵- سقف‌های اعتباری برداشته شده است.	۵- در سیستم بانکی سقف‌های اعتباری وجود دارد.
۶- تخصیص منابع به‌وسیله مکانیسم بازار و معیارهای اعتباری است.	۶- تخصیص منابع در بانک‌ها به‌وسیله نیروهای بازار نیست.
۷- بازارهای مالی وسیع و ابزارهای مالی متعدد است.	۷- بازار اوراق بهادار و ابزارهای مالی محدود است.
۸- فروش اوراق قرضه به‌صورت حراج است.	۸- فروش اوراق مشارکت (قرضه) با قیمت معین است.
۹- فعالیت بانک‌ها بسیار متنوع و وسیع است.	۹- فعالیت بانک‌ها محدود و معدود است.
۱۰- تأسیس و فعالیت بانک‌های خارجی آزاد است.	۱۰- تأسیس بانک‌های خارجی ممنوع است.
۱۱- بانک مرکزی استقلال دارد و سیاست پولی و مالی هماهنگ است.	۱۱- بانک مرکزی استقلال ندارد و سیاست پولی تحت تأثیر سیاست مالی است.
۱۲- در سیاست پولی از ابزارهای غیرمستقیم و به‌ویژه عملیات بازار باز استفاده می‌شود و ترازنامه بانک مرکزی نشانه‌گیری می‌شود.	۱۲- در سیاست پولی از ابزارهای مستقیم استفاده می‌شود و ترازنامه بانک‌های تجاری هدف قرار می‌گیرد.
۱۳- ذخائر قانونی پائین است.	۱۳- ذخائر قانونی بانک‌های تجاری بسیار بالا است.
۱۴- رسیدگی به حساب‌های بانکی به‌وسیله حساب‌برسان مستقل است.	۱۴- رسیدگی به حساب‌های بانکی به‌وسیله حساب‌برسان مستقل نیست.
۱۵- سیستم مالی هماهنگ با نظام مالی بین‌المللی است.	۱۵- سیستم مالی، ناهماهنگ با نظام مالی بین‌المللی است.
۱۶- از آخرین تکنولوژی در سیستم بانکی استفاده می‌شود.	۱۶- سیستم بانکی بسیار سنتی است.

با توجه به موارد مذکور در جدول (۵)، به منظور آزادسازی مالی در ایران اقدامات زیر ضروری به نظر می‌رسد. اما برای جلوگیری از هرگونه خسارت و عقب‌گرد، لازم است آزادسازی تدریجی باشد و دولت نظارت کامل بر روند آن داشته باشد، مضافاً این که سیاست کلان اقتصادی هماهنگ با مراحل آزادسازی تدوین گردد.

۱- نرخ بهره آزاد گردد؛ به‌ویژه آن که مطالعات قبلی حاکی از آن است که اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا در گروهی آزادسازی نرخ بهره است.

۲- کلیه سقف‌ها اعتباری برداشته شود.

۳- اعتبارات ترجیحی از سیستم بانکی حذف و تخصیص اعتبار بر اساس معیارهای بازار باشد.

۴- ذخائر قانونی بانک‌ها تا سطح معیارهای بین‌المللی کاهش یابد.

۵- فعالیت بانک‌های تجاری متعدد و حوزه فعالیت آن به خارج انتقال یابد.

۶- بازار مالی گسترش و تأمین مالی کسری بودجه دولت از طریق بازار مالی صورت گیرد.

۷- رسیدگی به حساب‌های بانکی توسط حساب‌برسان مستقل صورت گیرد.

۸- استفاده از تکنولوژی جدید در بانکداری (بانکداری الکترونیک) مورد توجه قرار گیرد.

۹- محدودیت فعالیت بانک‌ها و مؤسسات خارجی در داخل برداشته شود.

۱۰- بانک مرکزی مستقل و اعمال سیاست پولی با ابزارهای غیر مستقیم و به‌ویژه عملیات بازار باز باشد.

منابع و مأخذ

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماگرهای اقتصادی، سال‌های مختلف.
- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۷۸-۱۳۷۴).
- سازمان برنامه و بودجه، قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۷۹).
- نظری، مجتبی، (۱۳۸۰)، "بررسی تحولات مورد نیاز بازارهای مالی ایران در صورت پیوستن به سازمان تجارت جهانی"، پایان نامه فوق لیسانس، مؤسسه عالی بانکداری ایران.
- Ucer:E Murat, "*Notes on Financial Liberalization*", www.econ.chula.ac.th/adout/member/sohit-orn/Liberalization.1.pdf
[DDA33/\\$file/Hongkong_01-09-10.d.pdf/Hongkng_01-09-10.d.PDF-Supplement Result](http://DDA33/$file/Hongkong_01-09-10.d.pdf/Hongkng_01-09-10.d.PDF-Supplement Result).
- Hanson, James.A, (2003) "*Banking in Developing Countries In the 1990 s*", The World Bank.
- Isik, Ihsan & Hassan M.K, (2003) "*Financial deregulation and total Factor Productivity Change*", Journal of Banking Finance.
- KÄHKÖNEN, J, (1987) "*Liberalization Policies and Welfare in a Financially Repressed Economy*", Staff Paper, Vol 34, No.3.
- Khan M.S and V.sundararajan , (1991) "*Financial Sector Reforms and Monetary Policy*" , IMF.
- Megginsan, W, (2003) "*The Economics of Bank Privatization*",
 Website : [http:// faculty – staff.ou.edu/M/william.L.Magginsan-I](http://faculty-staff.ou.edu/M/william.L.Magginsan-I)

-Park, Yongchul and Bae Kee-Hong. **"Financial Liberalization and Economic Integration in East Asia"**, www.Pecc.org/finance/forum2002/finc-Park1.Pdf

-Swamy P.A.V.B & Tavlas. G, (1989) **"Financial Deregulation, the Demand for Maney, and Montary Policy In Australia"**, Staff Paper. Vol 36.No 1.

-The World Bank, (2004) **"World Development Indicators"** .

-Wang, Yunjong, **" Prospects for Financial Liberalization in East Asia"**, www.kiep.go.kr/.../ACD2B5B43308D0749256 ADC000

-Wyplosz, Charles, (2001), **"How Risk is Financial Liberalization in Developing Countries"** , [www. Unctad.org/templates/download.asp docid=1533 & lang = 1 &intltem ID=2103](http://www.Unctad.org/templates/download.asp docid=1533 & lang = 1 &intltem ID=2103)